

## A Study of the Place of Imprisoned Women in Islamic Citizenship Rights

*Seyed Mohammad Ahmadi<sup>1</sup>, Jamshid Masumi<sup>2</sup>*

### Abstract

Woman as a member of the society has different place and roles in the penal system. Sometimes woman suffers from a crime and some other time she commits the crime herself. Besides being a convict or a victim as a citizen she can be a witness or judge in a criminal justice. Since our laws are drawn from Islamic jurisprudence and have paid a considerable attention to the role and place of women we can ask what are the citizenship rights and place of these women (convict of commitment of a crime)? If Quran and prophetic traditions are to be taken the basis and criterion in an Islamic society and the vehicle of application of laws then we will give value to the stature of humans (be it a man or a woman) and adopt value-related measures and plans for this social group in the principles and basis of the citizenship rights. Here one can refer to such rights as prohibition of the solitary confinement of women and communication with the family particularly with their children and proper diet which is under the supervision of the health experts and keeping contact with the outside world. Of course, recent developments in judiciary system of our country have paved the path for future alternative punishments for the female convicts that would have better reformative effect on the citizens because the Islamic religion is rooted in compassion and the penal laws should seek to reform the individual. The current essay has been prepared using descriptive and analytic method.

### Keywords

Right, Laws, Crime, Prison, Citizenship Rights

---

1. MA Student in Theology, Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University of Central Tehran, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University of Central Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author)  
Email: drjm1348@yahoo.com

Please cite this article as: Ahmadi SM, Masumi J. A Study of the Place of Imprisoned Women in Islamic Citizenship Rights. Iran J Med Law 2018; 12(46): 255-275.

## بررسی جایگاه زنان زندانی در حقوق شهروندی اسلامی

سیدمحمد احمدی<sup>۱</sup>

جمشید معصومی<sup>۲</sup>

### چکیده

زن به عنوان عضوی از جامعه جایگاه و نقش‌های متفاوتی را در نظام جزایی دارد. گاه از وقوع جرمی لطمه می‌بیند، گاه خود به انجام آن متهم است و گاه مجرم و بالاخره گاه نه بزه‌دیده و نه متهم و نه بزه‌کار، بلکه در زمین عدالت قضایی به عنوان شهروند و شاهد و یا مجری عدالت حضور دارد. با توجه به این‌که قوانین ما برگرفته از فقه اسلامی است و در تمامی موارد به نقش و جایگاه زنان توجه گردیده، لذا این سؤال اساسی مطرح می‌گردد که زنان زندانی (متهم به ارتکاب جرم) در حقوق شهروندی از چه جایگاهی برخوردارند؟ اگر قرآن و روایات را مبنا و معیار اخلاق در جامعه اسلامی قرار دهیم و اجرای قوانین را مستند به آن بدانیم، آنگاه برای شأن انسان‌ها (تفاوتی بین زن و مرد نیست) ارزش قائل شده و قطعاً در اصول و مبنای حقوق شهروندی، برای این گروه از جامعه تدابیر و برنامه‌های ارزشی، در نظر خواهیم گرفت. حقوقی مانند منع حبس انفرادی زنان و ارتباط با خانواده خصوصاً با کودکان خود و رژیم غذایی مناسب که مورد نظارت و ارزیابی مأموران بهداشت بوده و حفظ ارتباط با محیط بیرون از زندان را می‌توان نام برد، البته با تحولاتی که سال‌های اخیر در سیستم قضایی کشورمان صورت گرفته، امیدواریم از طرق دیگری جهت تأدیب و تنبیه زنان مجرم، استفاده نموده تا تأثیر بیشتری در اصلاح و بازگردانی این گروه از افراد جامعه داشته باشد، زیرا دین اسلام دین رأفت و مهربانی است و قوانین کیفری باید در عین اثربخشی، مایه اصلاح کامل افراد متخلف گردد. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی تهیه گردیده است.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، تهران، ایران.  
 (نویسنده مسؤول)  
 Email: drjm1348@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۵/۱۷

واژگان کلیدی

جرم، زن، زندان، حقوق شهروندی

## مقدمه

قانون کشور ما که برگرفته از فقه اسلامی است، مجازات‌هایی از قبیل زندانی کردن مجرمین و محکوم‌نمودن را شامل می‌شود که بر اساس جرمی که صورت پذیرفته، اجرای حکم قطعی را برای مجرمینی قرار داده که موجب آسیب‌های فردی و اجتماعی برای خود و خانواده خود شده‌اند. همچنین برای بزه‌دیده از جرم هم قوانین جهت حمایت از این گروه تدابیری در نظر گرفته است. از آنجا که زن مظهر لطافت و عطوفت است و باید محور سالم یک خانواده باشد، وقتی که مجرم و آسیب‌زننده باشد، چیزی از بنیان خانواده باقی نمی‌ماند. در یک دیدگاه کلی می‌توان ادعان نمود که زندان تأثیرات عینی و ذهنی منفی روی زندانیان دارد. تأثیرات عینی شامل زمینه خانوادگی، اشتغال، بیکاری، آموزش و یادگیری فنون ارتکاب جرم و... می‌باشند. تأثیرات ذهنی منفی نیز شامل تصور زندانی از مدیریت زندان، توجیه‌گرایی برای جرم انجام شده، دیدگاه او نسبت به دستگاه قضایی، دیدگاه او نسبت به قانون و... می‌شود. توضیح این که از هم گسیختگی خانوادگی به صورت‌های طلاق، بی‌سرپرستی، دوری از خانواده، فقدان همانندسازی لازم با خانواده، عدم پذیرش و طرد شدن از خانواده و... در خانواده‌های زندانیان جلوه‌گر می‌گردد. علاوه بر موارد یادشده، ورود به زندان منجر به تغییر در منافع و هزینه‌ها می‌شود. مجازات زندان همواره تأثیر مثبتی ندارد و می‌تواند در گسترش انحرافات نیز مؤثر واقع شود. در عصر حاضر نظام‌های قضایی و کیفری باید کامل‌تر و امروزی شود تا محکومیت‌ها و اعمال آن‌ها به گونه‌ای باشد که اعتماد زندانی به او باز گردد و برای ایفای نقشی سازنده و مفید در جامعه آماده شود. زندان باید آخرین چاره باشد، آن هم برای کسانی که تهدید آشکاری برای اجتماع هستند. با توجه به آفرینش و روحیه زنان، لازم است راه‌های جدیدی برای مجرمین زن جهت تأدیب زنان در نظر گرفته شود. حال این سؤال مطرح می‌گردد که زنان زندانی در حقوق شهروندی دارای چه جایگاهی می‌باشند؟ این مقاله در چهار بخش به بررسی این سؤال پرداخته است. در بخش اول به مفهوم‌شناسی واژگانی مانند جرم، زن، زندان، حقوق شهروندی پرداخته و در بخش دوم پیشینه اجرایی حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی و در بخش سوم پیشینه تاریخی بزه‌کاری زنان و در بخش چهارم زن از منظر اسلام مورد بررسی قرار گرفته شده است و آنچه را که می‌توان از این مطالب نتیجه گرفت آنست که یکسری برنامه‌ها را دولت برای این گروه از جامعه باید اتخاذ کند که قابلیت اجرایی داشته و زمینه‌ساز امنیت این زنان گردد و

همچنین کیفرهای جایگزین حبس با توجه به نوع جرم و ظرفیت فردی و شخصیتی زنان زندانی صورت پذیرد.

### مفهوم شناسی

«حق» در لغت در معانی گوناگونی به کار رفته است: راستی، عدالت، ثابت و یقین که در آن جای تردید و انکار نباشد، شایسته و سزاوار، راستی در گفتار، مال، ملک و سلطنت، بهره و نصیب، امر صورت پذیرفته و انجام شده، دوراندیشی، مرگ... که «مطابق با واقع بودن»، «سلطنت»، «ثبوت» و «ثابت» ظهور بیشتری دارد (۱).

مفهوم «حق» در قرآن کریم (۲) به معانی مختلفی به کار رفته است که تنها به کاربردن واژه حق در آیات نیست، بلکه گاه حقیقتی است که دربردارنده حق خدا بر افراد یا حق افراد بر دیگر افراد می‌باشد، معانی غیر حقوقی، صفت الهی (۳) فعل حکیمانه الهی... جز به حق نیافریده است (۴)، حق بودن وعده‌های الهی (۵) هدایت در مقابل ضلالت و گمراهی (۶)، وصفی برای دین خدا (۷)، وحی (۸)، قصص (۹) و حکم (۱۰). «حق» در اصطلاحات فقهی اغلب به معنی «سلطنت» آمده است: «مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً؛ هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی سلطنت و امتیاز ولی دم (در قصاص از قاتل و یا گرفتن دیه) داده‌ایم» (۱۱) همچنین حق اختیار فسخ معامله، یعنی سلطنتی که صاحب حق بر فسخ معامله پیدا می‌کند. شیخ انصاری در مکاسب، «حق» را به توانایی و سلطنت فعلی تعریف می‌کند (۱۲). همچنین آیت... خوئی حق را نوعی از سلطنت دانسته که امور آن به دست کسی است که حق به نفع اوست (۱۳). از نظر آیت... یزدی حق، مرتبه ضعیفی از مالکیت است و در مقابل آن، «حکم» قرار دارد که مجرد رخصت و اجازه در انجام‌دادن یا انجام‌ندادن چیزی است (۱۴). حق در اصطلاح حقوقی، اقتداری است که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند (۱۵). آزادبودن انسان در انجام یا عدم انجام عمل، رکن اساسی حق در این تعریف است. پس حق امری اعتباری با پشتوانه قانونی است که حفظ نظم جامعه را به دنبال دارد (۱۶) و یا مفهومی فرضی است که به هیچ وجه وجود خارجی نداشته و تنها در ارتباط با افعال اختیاری انسان مطرح می‌شود، یعنی با توجه به «باید»ها و «نباید»های حاکم بر رفتار انسان‌ها، مفاهیمی از قبیل

«حق» و «تکلیف» به وجود می‌آید (۱۷)، مثلاً حق شفعه و یا حق زن بر مرد و... پس حق امری است فرضی که به نفع یا ضرر انسان از مقامی بالاتر معین می‌شود (۱۸).

### ۱- معنی و مفهوم «جرم»

حقوقدانان به تعریفی که قانون از جرم نموده، بسنده کرده‌اند، در حالی که جامعه‌شناسان بر اساس معیارهای جامعه‌شناختی به تعریف جرم پرداخته‌اند. این در حالی است که تعریف جرم از نگاه جرم‌شناسان، روانشناسان و دیگر علوم هر کدام هر کدام بر پایه تخصص علمی خود صورت گرفته و مکتب نوظهور عدالت حقیقت‌گرا در حقوق کیفری ایران برای به دست دادن تعریف و برداشتی کامل و جامع از جرم آن را دارای دو بعد ثابت و متغیر می‌داند. بعد ثابت جرم همان رفتار ناسالم می‌باشد که در ادوار مختلف بر اساس تکامل شعور بشری برخی رفتار به عنوان رفتار ناسالم از دیگر رفتار متمایز شده است. ساترلند جامعه‌شناس آمریکایی نیز جرم‌شناسی را علمی می‌داند که بزه را به عنوان یک پدیده اجتماعی مطالعه می‌نماید یا مارک آنسل پایه‌گذار مکتب دفاع اجتماعی نوین جرم‌شناسی را مطالعه پدیده جرم از جمیع جهات می‌داند. با توجه به تعاریف ارائه‌شده از علم جرم‌شناسی مکتب عدالت حقیقت‌گرا (عریانیسم) جرم‌شناسی را علم مطالعه و بررسی دو بعد ثابت و متغیر جرم می‌داند (۱۹) که با توجه به این برداشت کامل و جهانشمول تمام تعاریف ارائه‌شده از جرم و جرم‌شناسی در زیرمجموعه این برداشت قرار خواهد گرفت. حال در زیر به صورت جداگانه به تعریف جرم از دیدگاه حقوقی و جامعه‌شناختی خواهیم پرداخت.

### ۲- معنی و مفهوم «زن»

زن در لغت، انسان ماده و مقابل مرد و نیز به معنی جفت مرد است که به عربی زوجه می‌گویند (۲۰).

زن در معنی اصطلاحی آن و در دیدگاه اسلام از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است. مرد و زن حقیقت و ماهیتی واحد دارند. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ ای مردم از عدم اطاعت پروردگارتان بپرهیزید، از آن خالق یکتایی که شما را از یک وجود آفرید و همسرش را از او آفرید» (۲۱) و در جایی دیگر می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا

خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبُّهُمَا لِيُنْزِلَنَا صَالِحًا لِنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الله آن ذات اقدس است که شما را از یک وجود واحد خلق فرمود و همسرش را نیز از خودش پدیدار ساخت تا در جوار او احساس آرامش کند. در اسلام زن و مرد در انسانیت مشترکند» (۲۲)، انسانیت به روح او بستگی دارد و روح انسانی به مذکر و مؤنث تقسیم نمی‌شود. زن مانند مرد دارای سه ویژگی مهم انسانی است، یعنی اختیار، مسؤولیت‌پذیری و توان ارتقا و کامل می‌باشد از امکان رشد و کامیابی برخوردارست (۲۳).

### ۳- «زن» در قانون اساسی ایران

اختصاص قسمتی از مقدمه قانون اساسی به موضوع زن، استیفای بیشتر حقوق زنان در ایجاد بنیان‌های اجتماعی اسلام، فراهم کردن امکانات نیل به تشکیل خانواده‌ای که بیشتر زمینه‌ساز اصلی تکامل و رشد انسان باشد، بازیافتن وظیفه خطیر مادری همراه با پیشاهنگ و هم‌رزم‌بودن در میدان‌های فعال حیات، حکایت از تلاش برای خارج کردن زن از حالت ابزار کاربودن دارد و این‌که به عنصری فعال و مسؤولیت‌پذیر و دارای ارزش و کرامت انسانی برخوردار باشد. اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی به صورت خاص زنان را مورد خطاب و توجه قرار داده و بر حمایت و برخورداری از حقوق یکسان در برابر قانون و تضمین حقوق آنان با رعایت موازین اسلامی تأکید نموده است (۲۴).

### ۴- «زن» در قوانین کیفری ایران

به لحاظ رسالتی که در اجرای اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ قانون اساسی بر عهده قوه قضاییه نهاده شده، قانونگذار در تدوین قوانین کیفری مقام ارزشمند زن و حقوق متعلق به وی را مد نظر داشته و با رعایت موازین اسلامی، در اعمال کیفر زنان بزه‌کار، سعی در حفظ کرامت و قداست و حرمت مقام وی، به عمل آورده است. از جنبه تطهیر و تنبیه بر مقابله با آن دسته از جرائمی که موجب فساد و تباهی و برهم‌زدن بنیان خانواده و جامعه شناخته می‌شود، از هیچ مقاومتی قاطعانه‌ای مضایقه ننموده و شادی در مجازات را مورد توجه قرار داده است.

### ۵- معنی و مفهوم «زندان»

زندان، یعنی جای نگهداری بزه‌کاران، تاکنون زندان محل تربیت مجرمان شده است و جنبه انتقام را از دست داده است (۲۵). در فرهنگ معین زندان به معنی محبس نیز آمده است. بر اساس ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به اصلاحیه



آن مصوب ۱۳۸۶، «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیتدار و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری، بازسازی، نگهداری می‌شوند.» زندانی کسی است که به حکم قانون در امور جزایی یا غیر جزایی به زندان افتاده باشد. زندانبان به معنای نگهبان زندان، کسی است که بر زندانی گماشته شده باشد و ناظر او و وضع زندانی باشد.

#### ۶- مفهوم «حقوق شهروندی»

اساساً زمینه ظهور شهروند و شهروندی، پیدایش دولت‌ها بوده است. به بیانی دقیق‌تر، از آنجا که ظهور دولت‌ها به معنای مدرن آن از قرن شانزدهم میلادی، یعنی از زمان سقوط امپراتوری روم بوده، بهتر آن است که به جای واژه «دولت»، از عبارت «قدرت‌ها» استفاده کنیم. این قدرت‌ها شامل نظام حاکم در دولت شهرهای یونانی و شبه‌دولت‌هایی از قبیل امپراطوری‌های بزرگ جهان یا حتی قدرت فئودال‌ها بودند که با ظهور خود، ضرورت پیدایش مفهوم شهروندی را شکل دادند. از آنجا که قدرت (به تعبیری) فسادآور است و همواره به سوی تمامیت‌خواهی سیر می‌کند، مردم عادی همواره در موضعی ضعیف و آسیب‌پذیر قرار دارند؛ از همین روست که شهروندی به عنوان لازمه حمایت از انسان‌های حکومت‌شونده پدیدار می‌گردد. لازم به ذکر است که برخی از نویسندگان با اعتقاد عمیق به تمایز میان حقوق بشر و حقوق شهروندی، بر این باورند که پدیده شهروندی مربوط به دوران نسبتاً جدید است و به طور مستقیم از نظریه «قرارداد اجتماعی» ژان ژاک روسو ناشی می‌شود. در نوشته‌های سقراط، افلاطون و ارسطو و برخی دیگر از اندیشمندان یونان باستان، اشارات متعددی به مفهوم شهروندی شده است، اگرچه شهروندی در آن روزگار با مفهوم مدرن شهروندی از لحاظ محتوا، مصادیق، چرایی و... تفاوت‌های عمیق و بنیادی دارد، اما به عنوان سابقه‌ای تاریخی و ارزشمند، در خور تأمل و بررسی است. ارسطو می‌گوید: «اعمال شهروندی مفهومی بسیار عمیق و عنصر محوری انسان است.» محققین و صاحب‌نظران شهروندی در مفهوم مدرن، کلمه را ناشی از سنت فکری لیبرالیسم دانسته و چهار عامل اساسی را برای شکل‌گیری آن برشمرده‌اند:

۱- مبارزات اجتماعی طبقات مختلف جامعه، مثل زنان، اقلیت‌های قومی، معلولان و اقلیت‌های

جنسی؛

۲- نقش و تأثیر لیبرالیسم، البته اندیشه‌هایی مانند سوسیالیسم و دولت‌هایی مانند آلمان و سوئد و حتی بریتانیا، باعث توسعه و رواج حقوق اجتماعی در قالب ارائه خدمات عمومی گردیدند. همچنین ناسیونالیسم، نقش بزرگی در برانگیختن حمایت‌ها به نفع گسترش حقوق، ایفا نمود؛

۳- عوامل اقتصادی و به ویژه پیروزی سرمایه‌داری؛ این عوامل در درک مفهوم شهروندی نقش‌آفرینی بزرگی را به عهده داشته‌اند.

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قرارداد برای انسان‌ها لحاظ شده است و در اصطلاح، اصول، قواعد و مقرراتی است که برای تنظیم روابط بین انسان‌ها با یکدیگر و انسان‌ها با دولت وضع شده است. حفظ نظم در جامعه مهم‌ترین مصلحت‌هاست، لذا قواعد حقوق، مقرراتی است که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است (۲۶). حقوق شهروندی ترکیبی از دو کلمه حقوق و شهروندی است و گذشته تاریخی‌اش چندان روشن و شفاف نیست. حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی همانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن، حق گواهی‌دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصداق واقع‌شدن (۲۷). در جای دیگر حقوق شهروندان را این چنین تعریف می‌کند حقوقی که فقط به سکنه یک شهر از کشوری داده شود (در برابر حقوق مردم کشور به کار رفته است)، مثال در تاریخ حقوق رم انتخابات مخصوص شهر رم بود و سایر اهالی کشور از آن محروم بودند و بعداً این حق شهروندی مردم رم به سایر بلاد ایتالیا داده شد، هرچند که عملاً نمی‌توانستند در انتخابات عمومی شرکت کنند. ایده بنیادی تحقق حقوق شهروندی و نیز فعال‌نمودن شهروندان در حق تعیین سرنوشت از سوی افراد است که به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حق‌های اخلاقی و بالمال حقوقی در حوزه حقوق مدنی، سیاسی می‌باشد و حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن از مصادیق بارز حق تعیین سرنوشت محسوب می‌گردد. این حق ریشه در اصل اخلاقی غایت‌بودن انسان و منع استفاده ابزاری از انسان دارد. از آنجا که انسان‌ها در انسان‌بودن با هم برابرند، اخلاقاً قابل قبول نخواهد بود که انسان‌هایی به خود اجازه دهند بدون رضایت و انتخاب دیگران بر آن‌ها حکم برانند و آزادی آن‌ها را محدود کنند. به

عبارت دیگر اساساً نمی‌توان از یکسو از انسان مسؤول اخلاقی و همچنین نظام اجتماعی عادلانه سخن گفت و در عین حال آزادی انتخاب افراد را انکار کرد.

بنابراین حقوق شهروندی به مجموع حقوق و آزادی‌هایی گفته می‌شود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده است و محتوای آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد (۲۸) یا حقوق شهروندی به کلیه حقوقی گفته می‌شود که یک شهروند بر اساس قوانین و مقررات و ارزش‌های مشترک در یک کشور از آن برخوردار است، این حقوق به ویژه در ارتباط دولت‌مردان با آحاد جامعه مد نظر است که باید از طرف گروه نخست مورد رعایت و احترام قرار گیرد که در قانون اساسی ما زیر عنوان حقوق ملت در فصل دوم از اصل نوزدهم تا اصل چهل و دوم قانون اساسی معین و مقرر شده است. اصل بیستم قانون اساسی مقرر دارد که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» و در اصول دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی، دین و مذهب رسمی ایران و حقوق اقلیت‌های دینی و غیر مسلمان را تبیین و رعایت اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی و حقوق انسانی را از طرف جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان نسبت به غیر مسلمانان مورد تأکید قرار داده است. از جمع قوانین و مقررات یادشده به این نتیجه می‌رسیم که اتباع ایرانی اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان به طور برابر و یکسان در حدود مقرر در قوانین از حقوق شهروندی برخوردارند (۲۹).

## ۷- شهروندی

کلمه «شهروند» از نظر لغوی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معین، عمید و... تعریف نشده است، لیکن در فرهنگ‌های دوزبانه مثل حییم و آریان‌پور، شهروند به معانی بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشینی که از خدمت لشکری و شهرداری آزاد باشد، تعریف شده است. در فرهنگ معاصر فارسی یک جلدی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور به شمار می‌آید و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود. در فرهنگ علوم سیاسی، شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (۳۰). شهروند از واژه لاتینی سیویتاس مشتق است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه پولیس در زبان یونانی است. پولیس یا شهر، تنها مجتمعی از ساکنان

نیست، بلکه واحدهای سیاسی و مستقل به شمار می‌آید. شهروند کسی است که به آن واحد سیاسی تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره امور عمومی در محدوده شهر داراست (۳۱)، لذا از نظر لغوی، شهروند به معنای کسی است که اهل یک شهر یا کشور بوده و از حقوق موجود به آن برخوردار می‌باشد. از نظر اصطلاحی، مفهوم شهروند به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی (معمول یا مدرن) تلقی می‌شود که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می‌کند، این حقوق عبارتست از: حقوق مدنی شامل آزادی بیان و برابری در مقابل قانون؛ حقوق سیاسی، شامل حق رأی و ایجاد تشکل سیاسی و صنفی؛ حقوق اقتصادی دربرگیرنده رفاه اقتصادی (به وسیله تولید، بازرگانی، کشاورزی و مصرف) و تأمین اجتماعی است که برای نخستین بار در سال ۲۹۹۹ به وسیله «Marshal.H.T» در لندن، طی رساله‌ای با عنوان «شهروندی و طبقه اجتماعی» تبیین گردیده است. بنابراین می‌توان گفت حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که یک شهروند به واسطه زندگی در قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه‌ای میان او و دولت حاکم از آن برخوردار می‌شود (۳۲) و شهروند نیز به کسی اطلاق می‌شود که تحت‌الحمایه حکومت بوده و قوانین و مقررات آن را به رسمیت بشناسد و جزء جامعه‌ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید. شهروندی موقعیتی است اجتماعی و انسانی که افراد جامعه با برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در قبال حکومت، انتظارات متقابلی را از دولت برای احقاق حقوق خود به ویژه در بعد خدمات دارند.

### پیشینه اجرایی حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی

با صدور بخشنامه ۲۰ فرودین ۱۳۸۳ رییس قوه قضاییه در مورد رعایت حقوق شهروندان خطاب به دادرسان، ضابطان و ناظران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های سراسر کشور شکل جدی به خود گرفت. در این بخشنامه، به رعایت برخی از حقوق شهروندان در مرحله‌های مختلف تحقیق، تعقیب و نگهداری (به ویژه در مقام متهم) تأکید شده و رعایت قوانین در کشف و تعقیب جرم، اجرای تحقیقات، صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت و پرهیز از هر گونه سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت یا اعمال هر گونه خشونت یا بازداشت غیر قانونی، صدور

حکم محکومیت بر پایه اصول و موازین قانونی، فراهم کردن زمینه حق دفاع برای متهمان در دادگاهها و دادرها و رعایت اخلاق اسلامی با مردم، ممنوعیت هر گونه شکنجه و توسل به روش غیر قانونی در تحقیقات و بازجویی و پرهیز از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و نیز طرح پرسش‌های روشن و مرتبط با اتهام انتسابی و... مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این بخشنامه به اندازه‌ای بود که سامانه قانونگذاری کشور بخشنامه مزبور را با عنوان قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در جلسه علنی سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ - یعنی ۲۵ روز پس از تاریخ صدور بخشنامه - تصویب کرد و به جایگاه «قانون» ارتقا داد. پنج ماه پس از تصویب این قانون، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت و قوه قضاییه را مکلف به تهیه و تدوین منشور و لایحه حقوق شهروندی کرد (۳۳).

### پیشینه تاریخی بزه‌کاری زنان

همواره در طول تاریخ در کنار مردان، زنان نیز در مواردی عنوان مجرم یافته و مجازات‌هایی را متحمل می‌شدند. یکی از مهم‌ترین جرائم زنان و شاید اولین جرمی که زن را به پای میز محاکمه کشاند، زنا باشد. در تمام اعصار تاریخ، زنا جرم بزرگی محسوب و به شدت موجب کیفر می‌گشت. در قانون حمورابی که اولین قانون مکتوب بشری است نیز به جرائم زنان توجه شده است، مثلاً برای زنی که برای سقط جنین خودش وسایلی تهیه می‌کرد، کیفر به صلیب‌کشیدن را در نظر می‌گرفتند. در آیین یهودیت نیز به این مسأله توجه شده، به طوری که یکی از ده فرمان موسی نیز به دوری کردن از زنا، محصنه اشاره دارد. در عهد عتیق از جمله جرائمی که با مجازات مرگ همراه بود، جرائم جنسی بود. برخی نیز معتقدند از سی و شش جرمی که مستحق کیفر مرگ بود، هیجده مورد آن را این قبیل جرائم تشکیل می‌دادند. جرائمی که زنان در آن‌ها یک طرف قضیه بودند. هتک حرمت کودکان و زنان، زنا، محصنه، فحشا با زن پسر و همجنس‌بازی از جمله جرائم جنسی بود که با مجازات سنگسار همراه بود. در قوانین موسی هم اشکال غیر طبیعی آمیزش جنسی جرم تلقی می‌شد (۳۴). در قوانین اشنونا (قوانین مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد مسیح) آمده است: «اگر روزی زنی را بر زانوی شهروندی ببینید، زن باید بمیرد و دیگر زنده نماند.» در سرزمین خاورمیانه این جنایت شایسته مرگ بود، به طوری

که زن زناکار را فاسق می‌دانستند و می‌بایستی به قتل می‌رسید. در قراردادهای ازدواج در دوره بابلی مربوط به سده ششم پیش از میلاد درباره زنا آمده است. «زن باید به وسیله خنجری آهنین به قتل برسد و یا بر اثر کتک‌خوردن باید بمیرد.» در برخی از دوره‌های تاریخی به ویژه در قرون وسطی وقتی زنی مرتکب جرمی می‌شد، او را با استفاده از آب رودخانه مجازات می‌کردند، به این صورت که او را بر روی صندلی شناوری می‌بستند و در آب رها می‌کردند تا به این ترتیب به هلاکت برسد. از دیگر جرائم زنان دزدی از خزانه‌های معابد بود (۳۵).

### زن از منظر اسلام

هر یک از آرا و عقاید طوایف و ملل (متمدن و غیر متمدن، مذهبی و لائیک) متضمن نوعی تضعیف و تحقیر زن بود و مشتمل بر محروم نگه‌داشتن زن از برخی حقوق اجتماعی، بلکه تحمیل مسؤلیت‌هایی بیش از توان او و بالاتر از مسؤلیت‌های مردان. دین مبین از تمام جهات و در کل ابعاد زندگی، اعم از حالات شخصی و مقررات اجتماعی، احترام و وظایف و حقوق زنان را متناسب با شرایط و توانمندی جسمی و روحی آنان در نظر گرفته است و به بیانی دیگر، نظر به این‌که عواطف و احساسات (از قبیل صبر، حیا، محبت و ترس) در زنان غالب است و با توجه به ظرافت جسمی آنان، حقوقی متناسب با این شرایط، مانند تربیت، پرستاری، خانه‌داری و... برایشان در نظر گرفته شد. از طرف دیگر در مردان، نیروی تفکر، باریک‌بینی، عاقبت‌اندیشی و خشونت، چیره است و با توجه به توانمندی و چالاکی بدنی، وظایف و تکالیف پرمشقت و جنجالی و سخت به آنان واگذار شد (۳۶).

### ۱- احترام به زنان

در قرآن کریم، تعبیراتی که از زنان می‌شود، چه به صورت خطاب و چه به صورت غیاب، بسیار محترمانه و همانند مردان می‌باشد: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» (۳۷)، «المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض» (۳۸)، «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم» (۳۹)، «و قل للمؤمنات یغضض من ابصارهن» (۴۰) «من ذکر او انثی» (۴۱)، «و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات» (۴۲)، «و للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» و در برخی موارد، به زنان توجه و عنایتی بیش از مردان شده است: «ضرب الله مثلا للذین کفروا امرأة نوح و امرأة لوط» (۴۳) «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأة فرعون... و مریم ابنت عمران» (۴۴)، در این دو آیه، دو زن،

نمونه و نمادی از کل کافران و دو زن دیگر، نمونه و اسوه مردان وزنان مؤمن قرار گرفته‌اند «یا مریم ان الله اصطفاک و طهرک واصطفاک...» (۴۵).

## ۲- استقلال زنان

زن از نظر تصمیم‌گیری درباره سرنوشت و مقدرات شخصی خود در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و... همانند مردان، کاملاً مستقل و خودکفا هستند. در مورد حق تحصیل و انتخاب رشته تحصیلی و مالکیت و حق ثبت اسناد و املاک و انتخاب محل سکونت و مسافرت و... محدود به هیچ حد و مرزی نیست (نه اجازه پدر و نه موافقت دیگران).

## ۳- اصول دین و اعتقادات

در هیچ یک از مقررات کلی و جزئی اصول و اعتقادات دینی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد، نه کما و نه کیفا و در هیچ مسأله‌ای از معتقدات دینی ما نشانی از برخورد حاکی از ضعف و عجز زنان (در باورها) سراغ نداریم.

## ۴- فروع دینی

در وظایف و دستوره‌های عملی اسلام نیز هیچ اثری از تبعیض بین زن و مرد به چشم نمی‌خورد. نه واجبات فردی و شخصی مانند نماز و روزه و نه فرائض اجتماعی مانند جمعه و جماعات و حج و امر به معروف. نه امور عبادی، اجتماعی، سیاسی و نه اقتصادی همچون بیع، اجاره، مضاربه، شرکت، وکالت، وصایت، ولایت (بر اموال گمشده و...) و قیمومیت (بر صغیران و...)، بلکه برخلاف رسوم طوایف و ملل، وظایف سنگین اجتماعی و مسؤولیت‌های فردی زنان کم‌تر از مردان است، مانند مسجد و نماز جمعه و جهاد... و، نفقه‌دادن بر اعضای خانواده و تحمل دیه جنایت خطای اقربا و تکفل مهر و حضانت فرزند حتی شیردادن به فرزند که شیرین‌ترین نوع خدمات‌رسانی زنان و مادران است، به عنوان وظیفه و تکلیف نیامده، بلکه اگر خود تمایل داشته باشد و بخواهد (هرچند با اجرت) نسبت به دیگران از اولویت برخوردار است و اگر به هر علت و سببی نخواهد نوزاد خود را شیر دهد، پدر موظف و مکلف است برای شیردادن فرزند خود دایه انتخاب کند (۴۶).

## ۵- عوامل بزه‌کاری زنان

شامل عوامل زیستی، اجتماعی و روانی می‌باشد.

**۱-۵- عوامل زیستی:** اگر به نرخ بزه‌کاری زنان و مردان و همچنین ساختار جرائم آن‌ها نگاهی بیاندازیم، خواهیم دید عوامل زیستی در وقوع آن جرائم بی‌تأثیر نیستند، چراکه مردان معمولاً جرائم خشن را زیاد مرتکب می‌شوند. بر اساس رویکرد زیست‌شناختی مهم‌ترین دلیل و انگیزه بزه‌کاری توانایی‌های بیولوژیکی و فیزیولوژیکی است. برخی محققین در توجیه بزه‌کاری زنان اختلالات هورمونی آن‌ها را مؤثر می‌دانند. به خاطر پیوندی که میان رفتار زن در دو دوره پیش از قاعدگی و پس از آن حاصل شده است، امکان درگیر شدن آن‌ها در پدیده بزه‌کاری وجود دارد. این دیدگاه‌ها تا آنجا گسترش یافته که برخی علت نوزادکشی را نیز همین اختلالات هورمونی می‌دانند. کاترین دالتون نیز در این باره معتقد است: «تغییرات هورمونی مربوط به دوران عادت ماهانه علت نوزادکشی زنان است.» به طور کلی می‌توان از این موارد به عنوان عوامل مادرزادی یاد نمود، یعنی عواملی که مرتبط با بارداری، سن مادر، سوء تغذیه، تأثیرات مربوط به استعمال مواد شیمیایی، الکل و... هستند و در رشد و تکامل جنین تأثیر سوء دارند و منجر به اختلال در شخصیت طفل می‌شود.

**۲-۵- عوامل اجتماعی:** منظور از عوامل اجتماعی مجموعه‌ای از مسائل اجتماعی است که در گرایش زنان و مردان به بزه‌کاری تأثیرگذار می‌باشد. دلایل اجتماعی شامل: ۱- افزایش ناموزون جمعیت و توزیع نامتعادل آن؛ ۲- مهاجرت و حاشیه‌نشینی؛ ۳- بحران‌های اقتصادی و افزایش بیکاری؛ ۴- زاع‌های قومی؛ ۵- عدم اوقات فراغت مناسب (۴۷).

**۳-۵- عوامل روانی:** مسائل و مشکلات روانی از علل دیگر گرایش به پدیده مجرمانه نزد زنان و مردان است. اختلالات روانی مانند عقب‌ماندگی ذهنی و عدم تکامل شخصیت فرد از عوامل مهم روانی در گرایش به بزه‌کاری است. اختلال شخصیت عبارت است از: «دسته‌ای از اختلال‌ها که برای توصیف الگوی رفتاری خاص که برای سایر افراد زیان‌آور است، به کار می‌رود.» شخصیت پرخاشگر و ضد اجتماعی از اختلالات مهم محسوب می‌شوند. بر اساس یک تحقیق انجام‌شده در آمریکا ویژگی‌های مشخص زنان عبارت بودند از: محافظه‌کار و خویش‌نما بودند، دلوایس عواطف و احساسات دیگران بودن، میل به امنیت‌خواهی آشکار، علاقه‌مندی شدید به هنر و ادبیات، ابراز احساسات نمودن و... در مقابل برخی خصوصیات مردانه عبارتند از: پرخاشگری، استقلال‌خواهی، مقاومت در برابر عواطف و احساسات دیگران، سلطه‌طلبی، حفظ خویش‌نمایی در برابر بحران‌ها، فعال بودن و میل به رقابت، اهل خطر بودن، اعتماد به نفس و...



عواطف و احساسات فردی در شکل‌گیری نوع شخصیت افراد بسیار مؤثر می‌باشد، به طوری که از نظر برخی جرم‌شناسان کمبود محبت و فقدان رابطه عاطفی از عوامل تعیین‌کننده در گرایش به بزه‌کاری است. همین کمبود عاطفه منجر به ایجاد روابط ناصحیح دختران و پسران با دوستان ناباب می‌شود که خود از عوامل گرایش به رفتار بزه‌کارانه است. اضطراب، بی‌ثباتی شخصیتی و عواطف منفی از عوامل مستعد روانشناختی در رفتار بزه‌کارانه است. از نظر روانشناسان، مجرم کسی است که نیروهای غریزی وجود خود را به خوبی اداره می‌کند و به خاطر بروز تنش روانی برای پاسخ‌دادن به این نیروهای غریزی بین فشارهای درونی و بیرونی قرار گرفته و به ناسازگاری با ارزش‌های جامعه می‌پردازد. از نظر روانشناختی بزه‌کاران در مقایسه با دیگران اغلب از لحاظ روانی جسورتر و نسبت به مراجع قدرت بی‌اعتناتر هستند. بر اساس همین عوامل ما در عرصه جرم‌شناسی با سه نوع بزه‌کار روانی سر و کار داریم که به این شرح هستند. این سه نوع شامل: ۱- بزه‌کار روان رنجور؛ ۲- بزه‌کاران دارای اختلالات منشی و بزه‌کاران جامعه‌ستیز ذاتی؛ ۳- بزه‌کاران روان‌پریشی (۴۸).

### نتیجه‌گیری

دانستن این نکته مهم است که مسائلی که در رابطه با زندان و زنان زندانی نقش ایفا می‌کنند، دارای اهمیت بوده، باید بررسی شود، مثلاً نمی‌توان فردی را در زندان که امکانات مناسبی ندارد، محبوس کرد و علاوه بر صدماتی که بر فرد وارد می‌کنیم خانواده وی را نیز متلاشی و به اجتماع به جای سودرساندن، ضرر دوچندانی وارد کنیم. بنابراین با مطالعه و اقدامات سنجیده شرایط را به گونه‌ای فراهم کنیم که شرایط اصلاح برای فرد زندانی فراهم آمده و خانواده وی نیز حفظ شده و فرد پس از گذراندن دوران محکومیت بتواند وارد جامعه شده و توسط جامعه پذیرش شود، نه این‌که طرد شده و به عضو فاسدی برای همیشه گردد و بنا بر اصل عدالت حفظ امنیت اجتماعی و رعایت حقوق شاکی و متهم قضایی امری واجب می‌باشد.

## پیشنهادات حقوقی

۱- سیاست دولت اسلامی: اگر به زنان و شأن آنان و وظایف مهم آنان توسط دولت‌ها توجه گردد، کار بانوان اهمیت بیشتری خواهد یافت. با ایجاد مراکز کارآفرینی و اشتغال‌زایی بانوان، آنان در کنار خانه و خانواده می‌توانند در عین در جامعه احساس ارزشمندی و کمک به معاش خانواده را تجربه می‌کنند، به وظایف همسری و مادری خود هم به گونه‌ای شایسته رسیدگی نمایند.

۲- طبقه‌بندی مجرمان بر اساس مدت حبس: ارتباط تنگاتنگی دارد، عده‌ای از زندانیان به علت آشنایی با جرائم دیگر به سوی آن‌ها گرایش پیدا می‌کند و در این زمینه جرائم مالی و سرقت بیشترین جاذبه را برای مجرمان دارد. در مجموع زندان بدترین تأثیر آموزش خود را بر مجرمان بی‌تجربه و مبتدی بر جای می‌گذارد.

۳- کاهش حبس: حبس عنوان مجازات در امر بازدارندگی فرد از ارتکاب جرم می‌باشد. تغییر در ارزش‌های اجتماعی و به کارگیری شیوه‌های توجیه مجازات‌های جایگزین جس مانند حبس در منزل، آزادی محدود، آزادی با مجوز و دیگر شکل‌های بازداشت ناپیوسته، مجازات تعلیقی که دامنه آن از حبس تعلیقی تا عفو مشروط و طیف گسترده‌ای از اقدام‌های تعلیقی، آزادی تعلیقی و مشروط و یا یادگیری حرفه و یا آموزشی خاص... را دربر می‌گیرد، از دیگر تأثیراتی است که هزینه مجازات را کاهش می‌دهد.

**References**

1. Amid H. Amid Dictionary of Persian language. Tehran: Amir Kabir Iran; 2003. Entry: Haq (right).
2. The word "Haq" (right, truth) has been used for 247 times in Holy Quran among which almost ten percent is related to legal concept.
3. Holy Quran. Surah al-Hajj: 62; Surah al-Luqman: 30; Surah al-Nur: 27.
4. Holy Quran. Surah al-Rum: 8.
5. Holy Quran. Surah al-Rum: 60.
6. Holy Quran. Surah al-Yunis: 32.
7. Holy Quran. Surah al-Fath: 28.
8. Holy Quran. Surah al-Fatir: 30.
9. Holy Quran. Surah Al-e Emran: 60.
10. Holy Quran. Surah al-Sad: 26.
11. Holy Quran. Surah al-Asra: 33.
12. Ansari M. Al-Makasib. Qom: Al-Hadi; 1997.
13. Khoei A. Misbah al-Fiqaha fi al-Mamilat. Qom: Davari Publisher; No Date.
14. Yazdi MK. Annotations of Makasib. Qom: Islami Press; No Date.
15. Emami SH. Civil Laws. Tehran: Daneshgah Press; No Date.
16. Katoozian N. Philosophy of law. Tehran: SAMT; No Date.
17. Holy Quran. Al-e Emran: 21, 112, 181; Nisa: 155; Anaam: 151; Asra: 33; Furqan: 68; Yunis: 23; Shura: 42.
18. Holy Quran. Zaryat: 19; Maarij: 24-25; Anaam: 141; Asra: 26; Rome: 38.
19. Rajabi I. Police and citizenship rights. Tehran: University Sources Press; 2009.
20. Bushehri J. Constitutional law-governance. Tehran: Enteshar; 2006. Vol.5.
21. Holy Quran. Al-Nisa: 1.

22. Holy Quran. Al-Araaf: 89.
23. Najafi Tavana A. Criminology. 6th ed. Tehran: Sanjesh Press; 2010.
24. Zamani M. Crimes of women and men in the course of time. Tehran: Qoqnoos Press; 2011.
25. Jafari Langeroodi MJ. Legal lexicon. Tehran: Ganj-e Danesh; 2002.
26. Qazipur S. Introduction to citizenship rights. Qom: Ethical Research; 2006.
27. Jafari Langeroodi MJ. Legal lexicon. Tehran: Ganj-e Danesh; 2002.
28. Tabatabaei M. Public freedoms and human rights. 4th ed. Tehran: Tehran University Press; 2009.
29. Ramezani R, Ranjbar A, Zare S. Transnational sources of citizenship rights. Tehran: Haq Gostar Professional Website; 2008. Available at: <http://www.haghgostar.ir>
30. Rezaeipour A. Collected laws and regulations of citizenship rights. Tehran: Aryan; 2006.
31. Pazhuhande MH. Civilization and citizenship. Hawzah Journal 1997; 3(8): 34-39.
32. Roshan M, Beyranvand R, Yar Ahmadi H. Citizenship rights: its background and place in police relationships. Islamic Vision and Education Journal 2014; 4(30): 128-136.
33. Zamani M. Crimes of women and men in the course of time. Tehran: Qoqnoos Press; 2011.
34. Golduzian I. Requirements of public criminal law. Tehran: Mizan; 2006. p.193.
35. Zamani M. Crimes of women and men in the course of time. Tehran: Qoqnoos Press; 2011.
36. Ahmadi H. Social deviation theories. Shiraz: Rose Press; 2008.
37. Holy Quran. Al-Tobah: 7.
38. Holy Quran. Al-Nur: 29.
39. Holy Quran. Al-Nur: 30.

40. Holy Quran. Al-Nur: 31.
41. Holy Quran. Al-e Emran: 125.
42. Holy Quran. Al-Fath: 25.
43. Holy Quran. Al-Tahrim: 10.
44. Holy Quran. Al-Tahrim: 11-12.
45. Holy Quran. Al-e Emran: 42.
46. Ahmadi H. Theory of Social Deviations. 1st ed. Shiraz: Roz Press; 2008. p.97.
47. Onsoni A. Deviation theories. Tehran: Moaser Press; 2010.
48. Dadsetan P. Criminal psychology. Tehran: SAMT; 2003.